

شریان مکران

روایتی از احداث خط لوله هزار کیلومتری نفت از گوره به جاسک

مهدی قزلی

نویسنده

مؤسسه جام جم

ناشر

”

این روایت تلاشی است برای توضیح آنچه در یک پروژه بزرگ نفتی، از ابتدا تا انتها رخ می‌دهد. با اینکه در دانشگاه، سال‌هایی را به خواندن درس مهندسی گذراندم، نه می‌توانم و نه می‌خواهم این متن، یک متن تخصصی باشد

کار را به سرانجام برسانند. هرچند در ابتدای کار هیچ‌کس نمی‌توانست باور کند می‌توانیم به این مهم دست پیدا کنیم ولی اعتماد به توان جوانان و متخصصان ایرانی به بار نشست و ایران توانست تکنولوژی پیچیده تولید لوله‌های خطوط سرویس ترش را به دست بیاورد و جزو معدود تولیدکنندگان این لوله‌ها در جهان بشود، به طوری که تولیدات آن با بهترین شرکت‌های مطرح اروپایی قابل رقابت است. اگر این اتفاق نمی‌افتاد عملاً طرح خط لوله گوره به جاسک شکست می‌خورد و کار بی‌سرانجام رها می‌شد ولی حالا نه تنها تولید می‌کنیم، بلکه زمینه صادرات هم داریم و تمام فرایند تولید در داخل انجام می‌شود. کل اسلب‌ها را فولاد مبارکه تولید می‌کند؛ ورق‌ها تماماً در فولاد اکسین تولید می‌شود و لوله‌ها را هم لوله‌سازی اهواز، ماهشهر و صفا می‌سازند.»

مستندنگاری خط لوله هزار کیلومتری گوره به جاسک که تنگه هرمز را دور می‌زند و برای اولین بار ما می‌توانیم از طریق این خط لوله ۴۲ اینچ نفت مان را در دریای عمان بفروشیم. این خط لوله در کمتر از دو سال با بیش از ۹۵ درصد تولید داخل احداث شد که یک اتفاق مهم است آن هم در اوج تحریم. این خط لوله علاوه بر کم کردن مسیر نفتکش‌ها و فروش نفت در دریای آزاد، باعث توسعه منطقه مکران هم می‌شود. نویسنده تمام این هزار کیلومتر را در کنار خط لوله پیمایش کرده و ترش و شیرین ماجراهای احداث آن را برای مخاطب عمومی روایت کرده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«در فروردین ۱۴۰۰ با یک گروه کوچک خبری رفتیم بوشهر و از گوره در ابتدای خط لوله تا جاسک در انتهایش را، در سه روز طی مسیر کردیم. اتفاق مهمی افتاده بود. هزار کیلومتر خط لوله با تأسیسات بین راهی در کمتر از دو سال عملیاتی شده بود و فاز اول پروژه، روزهای پایانی‌اش را می‌گذراند؛ آن هم در وضعیتی که کشور در اوج تحریم بود و بیماری کرونا هم قوز بالا قوز. برای من که دو مشکل بزرگ کشور را «ناکارآمدی» و «بحران تصمیم‌گیری» می‌دانستم، مواجهه با یک ابرپروژه که انجامش مثال نقض هر دو مشکل بود، هیجان زیادی داشت. قبول کردم... ولی افتاد مشکل‌ها. باید چپستی، چرایی و چگونگی پروژه و انجامش را واکاوی می‌کردم و در کمتر از پنجاه روز (که سی روزش ماه رمضان بود) کتاب روایتش را آماده می‌کردم.

این روایت تلاشی است برای توضیح آنچه در یک پروژه بزرگ نفتی، از ابتدا تا انتها رخ می‌دهد. با اینکه در دانشگاه، سال‌هایی را به خواندن درس مهندسی گذراندم، نه می‌توانم و نه می‌خواهم این متن، یک متن تخصصی باشد. دوست دارم مردم بتوانند کلی‌ترین جنبه‌های انجام یک پروژه ملی را فهم کنند و از کم و زیاد و خوب و بد آن اطلاع داشته باشند.» «از آنچه در رفت و آمد و گفت‌وگو با علی و دهقانی و دیگران دستم آمد، دانستم مهم‌ترین چالش این پروژه تأمین لوله‌ها بوده است؛ چالشی که از سال ۱۳۹۳ تا پنج سال اجرای طرح را عقب انداخت. اگر صنعت نفت را یک بدن بدانیم، لوله‌ها رگ‌های این بدن هستند و عملاً بدون داشتن این شریان‌ها امکان انتقال قطره‌ای نفت وجود نخواهد داشت. حالا برای شروع ساخت خط لوله گوره به جاسک نیاز به همین رگ‌ها بود ولی وارد کردن آن به داخل کشور ممکن نبود، چون تحریم‌ها مانع این کار می‌شد. نمی‌شد به خاطر تحریم‌ها دست روی دست گذاشت و کاری نکرد. به همین دلیل گروهی از متخصصان داخلی وارد گود شدند تا این

